

## نقش آفرینی زنان در دوران دفاع مقدس

بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. همزمان با انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و ناخواسته علیه ایران رخ داد و دفاع از میهن و مرز و کبان ایران عزیز وظیفه



**فهیمة نظری**  
 مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسائل اجتماعی

مردم غیور ایران شد. حماسه حضور مردان و زنان موجب شد تا رشادتهای بی نظیری در یاد و خاطره ملت ما بماند و ما همیشه بدان مفتخر باشیم. نقش آفرینی دلیرانه مردان و زنان، در همه عرصه‌ها، به جا مانده و بدون شک این نقش آفرینی چنان با شجاعت، دلیری، خاطرات خوب و خوش رقم خورده است که هنوز می‌توان از آن درس‌ها، پندها و عبرت‌ها گرفت. یکی از بارزترین خصیصه‌های این حماسه، حضور زن ایرانی بود. حضوری ساده، بی تکلف، بی آرایش، دلسوزانه و توأم با مهر و مهرورزی که در طول هشت سال از خانه ریشه گرفت و در میدان جنگ تجلی یافت.

زن ایرانی در خانه، مامن صفا و آرامش بود و از هیچ اقدامی برای پیروزی فرزندان، برادران و هموطنانش دریغ نکرد. از خودگذشتگی و روحیه ایثارگونه زن ایرانی از جمله صفاتی است که هنوز هم در نهاد زن ایرانی به چشم می‌خورد.

جنگ هشت ساله با حضور زن ایرانی و فداکار نام و خاطره‌ای خوش از خود به جا گذاشت. مستندات و خاطرات فراوانی از زنان جامعه ما وجود دارند که اگر نبودند، این دوران پر از فراز و نشیب، پر از خاطرات تلخ و شیرین، پر از پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، دلیری‌ها و شجاعت‌ها ناکام می‌ماند. زنان جامعه ما با حضور خود، چون همیشه خوش درخشیدند، نقش مثبت و والایی از خود به جا گذاشتند و با حضور پررنگ خود حتی لحظه‌ای پا پس نکشیدند. حضور زن ایرانی مسلمان، شجاع دل، خواه در نقش و مقام مادر، خواه همسر، خواهر و یا حامی و پشتیبان، همیشه دلگرم‌کننده بوده است. مرور این روزها از جنگ تحمیلی هشت ساله، حکایت از روایت‌ها و خاطرات گروهي از زنان و مادرانی است که به عنوان یک مربی و تربیت‌کننده در خانه و در میدان جنگ حضور داشتند و کماکان دارند.

یادمان باشد با پایان گرفتن حماسه جنگ هشت ساله، حضور زنان جامعه ما پایان نیافت و آنان پیش از گذشته احساس حضور کردند و عرصه‌های گوناگون این امر را تاکنون ثابت نموده است.

در حال حاضر جنگی عیان در میان نیست و زنان، هوشیارانه خواهان و تداوم دهنده حضور جدی در میدان اجتماع هستند. آنان به حکم انسانیت، زن بودن و مادر بودن حضور خویش را در عرصه‌هایی چون سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ ضروری می‌دانند و بار دیگر به نقش آفرینی خود افتخار می‌کنند که البته این بار جدی‌تر و فعال‌تر از گذشته. به عبارت دیگر، اگر چه جنگ، اولین حماسه جدی حضور زنان پس از انقلاب در میدان بود، اما از آن پس میدان‌های دیگر اجتماع، برای تجلی زنان شناخته و فراهم شده است.

امروز دیگر از جنگ فیزیکی و تن به تن خبری نیست، اما زن ایرانی چون گذشته باور و اعتقاد راسخ و جدی دارد که باید در خانه و خانواده، در مدرسه، در میدان اجتماع و علم پیشقراول باشد، حضور داشته باشد و به نوعی از مرز و بوم و کیش، از حریم کنشورش با دشمن در کارزار جنگ نرم به دفاع بپردازد. زنان جامعه ما، می‌دانند امروز، آگاهی تنها سلاحی است که باید به آن مجهز بود. او می‌داند، تنها آگاهی و دانستن است که نقش تربیتی و حمایتی او را در محیط و فضای خانه تا میدان اجتماعی پر رنگتر می‌کند. زن آگاه ایرانی می‌داند، حضور فعالش و مثبت اوست که موجب می‌شود تا حمایت از اعضای خانواده، تعلیم و تربیت فرزندان، میدان کار و شغل بهتر از گذشته باشد. به عبارت دیگر، اگر دیروز دشمن بعضی به حریم کشور تجاوز نمود و زن ایرانی را به مقاومت و پایداری دعوت کرد و او فرزندان خویش را بدون هیچ منتی رهسپار جنگ کرد، اما امروز نیاز است تا به گونه‌ای دیگر، آماده باشد تا نقش خود را ایفا کند. آگاهی و دانستن، تنها و مهمترین مؤلفه‌ای است که حق زنان امروز ایران است. آگاهی زن ایرانی، می‌تواند تنها سلاحی باشد که بتواند او نقش مثبت و والای خود را در خانه و در میدان نشان دهد. یادمان باشد، زنان توانمند، آگاه و مطلع موجب سرفرازی و پیروزی یک ملت خواهند شد. اگر دیروز زنان جامعه ما «نقشی تربیتی» داشتند، امروز نیز این نقش کماکان پابرجاست و فضای امروزه جامعه ما نسبت به گذشته بسیار به مراتب به نقش تربیتی زنان جامعه نیاز دارد. زن، فطرتاً مربی جامعه است و اگر قرار باشد، ما تربیت را به شکل واقعی ایجاد کنیم، باید از خانه شروع کنیم و در جامعه تجلی آن را شاهد باشیم.

مردم با بازگشت به فرهنگ دفاع مقدس امکان پذیر است. فرهنگ دفاع مقدس باورها و اعتقاداتی است که در هر نقطه‌ای که خلوص، فداکاری و معرفت باشد به قدرت تبدیل می‌شود. مثال عینی آن همین شعر فردوسی است که می‌گوید «چو ایران نباشد تن من مباد» ما هرگاه در تاریخ ایران به این موضوع معتقد بوده‌ایم، پیروز شده‌ایم و تمامیت ارضی ما حفظ شده است. اما هرگاه منافع فردی مهم شدند، ما پیروزی را از دست دادیم. در دفاع مقدس فرد ایثار می‌کرد و بالاترین داشته‌اش را یعنی جانش را فدا می‌کرد. امروز هم در صحنه اداره کشور هر کجا که موفق هستیم به دلیل فداکاری انسان‌هایی است که بر پایه معرفت الهی، ایثار می‌کنند. معرفت الهی تبدیل به خلوص می‌شود و فردی که این خصوصیات را داشته باشد با همه وجود وارد میدان شده و به استقبال بلا می‌رود تا اطرافیانش آسودگی را تجربه کنند.

■ آنچه این روزها جامعه به آن نیاز دارد تقویت و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در مقابله با دشمن است و اینکه این فرهنگ موجب افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود. در این باره نظراتان را بفرمایید؟

به اعتقاد من ترویج تنها مهم و راهگشا نیست و باید عمل کنیم. من خودم به‌عنوان معاون مطبوعاتی ارشاد باید الگوی رفتاری باشم تا از دیگران انتظار داشته باشم. صرف ترویج، چیزی را حل نمی‌کند. ما باید بیش از اعلام، اقدام کنیم و مردم در رفتار ما مشاهده کنند. طبیعتاً سرمایه اجتماعی موقعی شکل می‌گیرد که خلوص نیت بالا داشته باشیم. سرمایه اجتماعی کشور در جایی قرار دارد که باور و خلوص حداکثری ایجاد می‌شود و این خلوص حداکثری یعنی تصمیم براساس منافع جمع نه براساس منافع فرد. در این هنگام فساد و تبعیض از بین خواهد رفت و طبیعتاً خود به خود مردم در کنار گرفتن یک یک زمین یا پس گرفتن یک سرزمین نیست بلکه آن فرهنگی است که باعث می‌شود در راه آزادی و آزادی‌گی از جان و مال خود بگذرید. ما خانواده‌هایی داریم که بعضاً چهار یا پنج شهید داده‌اند و به آن افتخار می‌کنند. از این رو می‌توان گفت آنچه که به‌عنوان قدرت ما محسوب می‌شد، باور و اعتقادات ما بود که با نفس امام راحل و همت همه مردم نهادهین شده بود. آنچه امروز ما با آن مواجه هستیم، نخست بازخوانی آن روزها است که البته باید در همه ابعاد صورت بگیرد. به این معنا که آن روزها آسیب‌ها، فساد و تبعیض در حداقل بود و عدالت در حداکثر قرار داشت. آنچه رهبر معظم انقلاب نیز در مورد عدالت تأکید کرده‌اند همین نکته است. ما به جز بازگشت به فرهنگ دفاع مقدس راهی برای استقلال ایران نداریم. حفظ نظام، دفاع از مردم و تأمین امنیت و رفاه



گفت و گو با محمد خدای معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آستانه سالگرد شهادت شهید علی (حمید) خدای

# حفظ استقلال ایران در گرو بازگشت به فرهنگ ایثار و جهاد

پرستو رفیعی  
 خبرنگار

ایرانیان، وطن پرستی و پایبندی به اعتقادات توحیدی و ارزش‌های دینی را در مقاطع مختلف تاریخی به تصویر کشیده‌اند. هشت سال دفاع مقدس نیز یکی از همین مقاطع و فرصتی بود تا شیرمردانی از دیار پاکان با عشق به میهن برای دفاع از ولایت فقیه و ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی و همچنین پاسداری از جان و مال هم‌میهنان‌شان پای در میدان مبارزه بگذارند و با وجود مشکلات بسیار در برابر دست نشاندۀ‌های استکبار جهانی قد علم کنند و پا قلمتی استوار از وجب به وجب خاک این سرزمین و آزادی تک‌تک هم‌میهنان دفاع کنند. یکی از این دلیرمردان شهید علی (حمید) خدای بود که جان برکفانه در جبهه‌های حق علیه باطل مردانگی و میهن پرستی را به‌تصویر کشید و در راه حفاظت از میهن پنج بار مجروح و سه بار شیمیایی شد. بزرگمردی که زندگی دنیایی را تاب نیاورد و سرانجام به هم‌زمان شهیدش پیوست. اگرچه او قدم در مسیر شهدا گذاشته و آسمانی شده است اما نقش آفرینی‌های او در صحنه‌های مختلف هشت سال دفاع مقدس و همچنین پاسداری و صیانت خالصانه او از اهداف انقلاب همچنان در آذهان ملت ایران باقی خواهد ماند. از این رو به بهانه سالگرد شهادت این غیورمرد جبهه‌های حق علیه باطل با محمد خدای معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برادر سردار شهید خدای به گفت و گو نشسته‌ایم تا با گوشه‌ای از ابعاد شخصیتی وی آشنا شویم.

■ در آستانه سالگرد شهادت شهید خدای هستیم. خصوصیات اخلاقی و اعتقادی شهدا برای نسل‌های امروزی که از جنگ و فرهنگ شهادت دور هستند همانند چراغ راه است. کمی از خصوصیات اخلاقی و زندگی‌های این شهید گرامی بفرمایید؟

من و برادرم علی (حمید) خیلی زود پدرمان را از دست دادیم. او ۴ سال بیشتر نداشت و من ۶ ساله بودم. مادرمان باثوپی متدین بود و این امر باعث شد ما دوران کودکی را در فضایی مذهبی سپری کنیم و ارتباطی نتگانتگ با فضای روحانی و معنوی مسجد داشته باشیم؛ فضایی که ما در آن رشد یافتیم؛ بسیار اعتقادی بود و باز معرفتی بالایی داشت. از این رو مهمترین خصوصیت اخلاقی برادرم یعنی اعتقادات خالصانه نسبت به دین، ریشه در محیط خانواده ما داشت. او با همه وجود آرمان‌های انقلاب را پذیرفت و پس از من در سال ۱۳۵۸ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در «منطقه ۳ کشور سپاه» خدمات بسیار ارزنده‌ای را در راستای اهداف ولای انقلاب اسلامی انجام داد. بعد از بروز غائله در استان‌های غربی کشور، توانست با تدبیر و تمهیدات شایسته در قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) رشادت‌های بسیار از خود به‌جای بگذارد. او که ۹۶ ماه سابقه حضور در جبهه‌های حق علیه باطل داشت، به‌عنوان

بود. حتی مجروحیت خود را به تنها برادرش هم اطلاع نمی‌داد چون با معرفت و خلوص نیت در راه خدا گام نهاده بود. این خصوصیت تنها مربوط به برادر من نیست بلکه همه شهدا این خصوصیات را داشتند و بعد از شهادتشان هم تنها گوشه‌ای از ابعاد وجودی آنها مشخص شده است. سردار شهید خدای، همانند بسیاری از شهدا، انسانی بااخلاق، برمدار، سختکوش، خستگی‌ناپذیر و با روحیه ولایت‌مداری بود که ساده زیستی را انتخاب کرده بود و بیشتر توان خود را برای رفع مشکلات دیگران صرف می‌کرد.

■ در عرصه خدمت به انقلاب شهید خدای یک الگوی ارزشی و مورد تکریم برای نسل امروز است. همچنین ایشان از نیروهای متعدد و مخلص شهید سردار سلیمانی بودند، خدمات و نقش آفرینی‌های ایشان در دفاع از انقلاب و ارزش‌های اسلامی فراوان است از این خدمات برابمان بگویید؟

برادرم حمید، پس از پایان جنگ تحمیلی و تشکیل ستاد کل نیروهای مسلح، به خدمت در این ستاد مشغول شد. با انتصاب سردار شهید سلیمانی به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران، سردار خدای وظیفه مشاور و مسئول دفتر سردار سلیمانی را پذیرفت. در طول سالیان طولانی یعنی بیش از ۱۰ سال در کنار سردار سلیمانی خدمت کرد و حتی همراه او در مناطق عملیاتی سوریه و لبنان حضور یافت. یکی از آخرین فعالیت‌های او حضور به‌عنوان معاون بازرسی و ایمنی در هوا فضا بود. این موضوع بعد از شهادت شهید طهرانی مقدم با هدف افزایش ایمنی سپاه صورت گرفت تا او ایمنی سپاه را به نقطه‌ای برساند که دیگر موشکی منفرج نشود و صدمات ناشی از حوادثی که به از دست دادن سرداران بسیار ارزشمند همچون شهید طهرانی مقدم منجر می‌شود روی نهد و برای سپاه هزینه ایجاد نکند. یکی از فرماندهان ارشد سپاه برایم تعریف کرد، بعد از پذیرفتن این مسئولیت توسط حمید و دستیابی به موفقیت‌های چشمگیر و به‌وی ماهوریت داده شد در کل سپاه این اقدام را انجام دهد و آخرین مسئولیت وی معاون تأمین و ایمنی کل سپاه بود. این فرمانده می‌گفت حتی میزان حوادث جاده‌ای راهبان نور نیز با تدابیر و ابتکارات این شهید و آیین نامه‌هایی که نوشته شد به



او فردی صاحب معرفت بود. انسانی که صاحب معرفت است، قلبش برای کشور، نظام، مردم و هر آنچه برای مردم است می‌تپد. یکی از مهم‌ترین خصوصیات فردی که معرفت را انتخاب می‌کند، فداکاری است. به‌همین خاطر چنین فردی مجروح می‌شود اما کسی متوجه نمی‌شود. لازمه استمرار بر معرفت و موفقیت در این مسیر نیز گمنامی است که فرد تظاهر نکند. در واقع خلوص هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد آنچه دارد تقدیم به خدا کند نه به خلق خدا و شهید حمید خدای نیز همین گونه بود

